

تحلیل انتقادی مدخل امام «علی علیه السلام» در دائرةالمعارف قرآن لایدن و بررسی میزان هم‌آوایی آن با مکتوبات اسلامی و استشراقی - علی محمدی آشنانی، کیوان احسانی، زهرا قطبی علمی - پژوهشی

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال نوزدهم، شماره ۷۳ «ویژه پژوهش‌های قرآنی»، زمستان ۱۴۰۰، ص ۳۷-۶۴

تحلیل انتقادی مدخل امام «علی علیه السلام» در دائرةالمعارف قرآن لایدن و بررسی میزان هم‌آوایی آن با مکتوبات اسلامی و استشراقی

علی محمدی آشنانی*

کیوان احسانی**

زهرا قطبی***

چکیده: مدخل امام «علی علیه السلام» در دائرةالمعارف قرآن لایدن، توسط «علی سلطان آسانی»؛ مسلمان اهل سنت اهل ناپروبی، به نگارش درآمده است. این مدخل، ضمن گزارش درست برخی مطالب، همچون؛ برخورداری امام علی علیه السلام از مقام امامت و علم باطنی، حاوی نکات نادرستی، چون نسبت‌دهی رهبری صوفیه به آن حضرت، نیز از وجود نام و فضایل امام علی، در متن مصحف حضرت علی علیه السلام و انتساب برتافتن مصحف عثمانی از سوی شیعیان تا قرن چهارم، است.

پژوهه حاضر، با روش توصیفی- تحلیلی، به بررسی و تحلیل رویکرد و مطالب این مدخل پرداخته و بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات، صحت و سقم آن را، باز نمایانده است و میزان هم‌آوایی آن را با منابع و مکتوبات شیعی، اهل سنت و مستشرقان، آشکار ساخته است. یافته‌های تحقیق، نشانگر آن است که نویسنده، گرچه در بیان برخی مطالب، جانب واقعیت را پاس داشته، اما در پاره‌ای از موارد، دچار چالش‌هایی همچون عدم جامعیت، اختصارگویی زیان‌آور، شناساندن

*. استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآن (نویسنده مسئول)

dr.mohammadi.quran@gmail.com

k-ehsani@araku.ac.ir

ghotbizahra@gmail.com

**. استادیار دانشگاه اراک

***. دانشجوی دکترای علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک

امام علی علیه السلام به پیشوایی باطنیه و متصوفان و... شده است. این مدخل امام علی علیه السلام، با مدخل‌های دیگر لایدن و مکتوبات مستقل استشرافی، دارای هم‌آوایی و ارجاعات فراوان به آنها است؛ ولی بر خلاف انتظار، به هیچ یک از منابع روایی، تفسیری و تاریخی شیعه، ارجاعی ندارد و هم‌آوایی خاصی با منابع معتبر اهل سنت نیز در آن، مشهود نیست.

کلیدواژه‌ها: دائرةالمعارف قرآن لایدن؛ امام علی علیه السلام؛ علی سلطان آسانی؛ مستشرقان؛ مکتوبات استشرافی؛ قرآن و روایات.

۱. مقدمه

دائرةالمعارف لایدن، یکی از متون و مکتوبات استشرافی مورد توجه خاورشناسان و مسلمانان به زبان انگلیسی است که زمان تقریبی نگارش آن از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۶ میلادی بوده است. این دائرةالمعارف در هلند، توسط جین دمن مک‌اولیف و با همراهی هیئت مشاوران ارشدی از مستشرقان روشنفکر، همانند نصر حامد ابوزید، محمد آرکون، جرالدهاوتینگ، آنجلی کانیوورت، ویوری رابین از دانشگاه تل‌آویو، با هدف پدیدآوردن بهترین یافته‌های قرآنی، در مدخل‌های گوناگون، در پنج جلد، تدوین و ارایه شده و برخی از مدخل‌های آن، به زبان فارسی ترجمه شده است. از آغاز انتشار دائرةالمعارف‌های مستشرقین همچون لایدن، نقد و بررسی‌های متعددی پیرامون مباحث مطرح شده توسط مستشرقین صورت گرفته است که میزان هم‌آوایی مقالات آنان با کتب اولیه مستشرقین و منابع اهل سنت، عدم جامعیت، فقدان معیار و مؤلفه‌های متقن پژوهشی، عدم بررسی همه‌جانبه تمامی متون برجسته و تاثیرگذار اسلامی همچون متون شیعی و روایات اهل بیت، اعتماد بر برخی منابع و چشم‌پوشی از بررسی منابع متقن دیگر و رقیب، سوبه‌گیری و پیش‌فرض‌های نادرست در آن را نشان می‌دهد و رخنه و چالش‌های مطالب آن را آشکار ساخته است؛ اما تاکنون پژوهشی در بررسی و تحلیل انتقادی مدخل امام علی دائرةالمعارف لایدن، صورت

نگرفته است. البته در مورد مدخل امام علی دایرةالمعارف اسلام، دو مقاله با عنوان های «بررسی و نقد مدخل امام علی بن ابی طالب علیه السلام دایرةالمعارف اسلام (EI)»، «نقد و بررسی مقاله «علی بن ابی طالب» دایرةالمعارف اسلام، نگاشته شده است، نیز «مدخل علی ابن ابی طالب» دایرةالمعارف الیور لیمن، مورد بررسی قرار گرفته است که با این مقاله تشابه اسمی و تفاوت ماهوی دارد.

این مقاله پاسخ به دو پرسش را مدنظر قرار داده است: ۱. نویسنده مدخل، چه میزان از آیات و روایات را در مورد حضرت علی علیه السلام انعکاس داده است؟ ۲. میزان هم آوایی و تأثیرپذیری این مدخل از منابع اسلامی - استشراقی تا چه میزان است؟

۲. بدنه اصلی

۲-۱. معرفی نویسنده مدخل؛ علی سلطان آسانی

پروفسور علی سلطان آسانی متولد ۱۹۴۵ در نایروبی کنیا، از طائفه سند است. وی پس از گذراندن دوره دبیرستان در کنیا، به کالج هاروارد عزیمت و در سال ۱۹۷۷ نخستین مدرک خود را دریافت نمود و با ادامه تحصیلات خود در آن دانشگاه، در گروه زبان ها و تمدن های خاور نزدیک (NELC)، در سال ۱۹۸۴ دکترای خود را دریافت کرد. وی از سال ۱۹۸۳ در همان دانشگاه به تدریس پرداخت. از آن زمان تاکنون وی با تصدی مقام ریاست دکترا NELC فرهنگ هندی اسلامی را مدیریت می نماید. وی به مباحث دین، ادبیات، هنر در فرهنگ های مسلمان، صدای مسلمانان در ادبیات معاصر جهان، آشنایی با تصوف، تاریخ و اندیشه اسماعیلی، سنت های فدائی شیعه، صوفیان، شکل های عامیانه از زندگی فداکارانه مسلمانان و جوامع آنان، علاقه مند است. برخی از آثار و کتاب های وی در دانشگاه هاروارد شامل؛ مجموعه ادبیات اسماعیلی، تجلیل از محمد صلی الله علیه و آله و سلم، تصاویر پیامبر در شعر فدائی مسلمان و جدیدترین اثر وی، سنت ادبیات صوفیان

در سند است. وی مقالات متعددی در ژورنال‌ها و دائرةالمعارف فولکور، دائرةالمعارف آکسفورد، دائرةالمعارف لایدن، دائرةالمعارف آسیای جنوبی و مسلمان المناک از دنیای مدرن اسلامی را به نگارش درآورده است. آسانی همچنین به عنوان مشاور عضو هیئت تحریریه دائرةالمعارف آکسفورد جهان اسلام و دائرةالمعارف اسلام در ایالات متحده، بوده است. پس از ۱۱ سپتامبر، وی به طور ویژه، در دبیرستان‌ها، برای معلمان و اساتید دانشگاهی، کارگاه‌های آموزشی شناخت اسلام و نقش دین در جوامع اسلامی را برگزار نموده است. پروفیسور آسانی به دلیل مشارکت برجسته خود در بهبود روابط بین فرهنگی و نژادی در دانشگاه هاروارد و ملت، مدال بنیاد هاروارد را دریافت نمود و اخیراً به دلیل تعالی در تدریس، جایزه پتراسی شاتوک بخش تحصیلات دانشگاه هاروارد را به دست آورد.

(<https://scholar.harvard.edu/aliasani/classes>)

۲-۱-۱. مدخل امام «علی‌علیه‌السلام» دایرةالمعارف

موضوع مدخل امام علی‌علیه‌السلام، همان‌گونه که از نام آن پیداست، شناساندن یکی از چهره‌های برجسته اسلام و تشیع، در دائرةالمعارف لایدن است که در دو صفحه و به اختصار، تدوین یافته است. در این مدخل جایگاه امام علی‌علیه‌السلام به عنوان امام، امامت فرزندان آن حضرت در نگاه شیعه، مقام باطنی و مصحف آن حضرت و ویژگی‌هایش و نیز از نگرش شیعیان به مصحف عثمانی، به اختصار سخن گفته شده است. این مدخل، توسط حسن رضایی هفتادری، به زبان فارسی، ترجمه و در مجموعه ترجمه شده دایرةالمعارف لایدن چاپ گردیده است. به گمان برخی از پژوهشگران، «مدخل علی‌علیه‌السلام در دائرةالمعارف قرآن لایدن، علی‌رغم اختصار، مقاله‌ای به جد، خوب و بدون اشکال است؛ به طوری که جای تقدیر و تشکر از علی آسانی در این زمینه وجود دارد. (زمانی، ۱۳۹۵: ۴۹۳) نگارندگان این پژوهش نیز بر آن هستند که

مدخل علی علیه السلام، گر چه با پرهیز از سویه‌گیری و یک‌جانبه‌گرایی، تا حدودی، جانب حقیقت را رعایت نموده است، ولی دچار چالش‌هایی نیز هست که باید مورد تحلیل و نقادی قرار گیرد:

۲-۲. خوانش محتوای مقاله

نگارنده مدخل، آسانی، بنابر سنت دائرةالمعارف نویس‌ها، آغاز مطلب خویش را با ذکر نام و نسب و نسبت آن حضرت شروع می‌نماید و آن حضرت را به عنوان داماد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی نموده است، و به اجمال، به برخی ویژگی‌های امام علی؛ همچون اولین مسلمان، شجاعت، پرهیزگاری، دارای دانش عمیق نسبت به قرآن و سنت، اشاره می‌کند. وی صرفاً با ذکر عبارتی گذرا، عقیده شیعه به امامت آن حضرت را تحت عنوان با استناد به «نصوصی از آیات و روایات» به مشروعیت امامت ایشان بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پرداخته و به این نکته اشاره می‌کند که این منصب توسط برخی از صحابه غصب گردیده است. او در این راستا، به محتوای روایاتی همچون حدیث غدیر نیز اشاره نموده است. آسانی به یکی از وظایف امامت که حفظ و نگهداری از آیات الهی است اشاره می‌نماید ولی بدون توجه به شهادت امام علی، که دارای بار معنایی مرگ طبیعی آن حضرت علیه السلام است، صرفاً به ذکر این مطلب می‌پردازد که بعد از «درگذشت وی، فرزاندنش به امامت رسیدند.» آسانی بدون ذکر ظلم حاکمان وقت به اهل بیت علیهم السلام، با اشاره‌ای گذرا به این مطلب بسنده می‌کند که: «به خاطر ظلم و ستم حاکمان سنی رقیب، فقط تعداد اندکی از آنان توانستند مطابق جایگاه خود اعمال قدرت کنند» وی بدون واکاوی علمی عمیق در این زمینه و توجه به خاستگاه تصوف و بدون در نظر داشتن موضع اهل بیت نسبت به تصوف، صرفاً با نگاه عرفی که در این زمینه وجود دارد، حضرت را به عنوان شخصیتی برجسته در سنت‌های باطنی اسلامی از جمله تصوف، معرفی

نویسنده اعتقادات شیعه را نسبت به قرآن، به عنوان مصحفی واحد، در تطور زمان، متفاوت می‌داند وی در ابتدا و همسو با نگاه عرفی سایر مستشرقین معتقد است که شیعیان در ابتدا قائل به این مسئله می‌باشند که علی علیه السلام نسخه معتبری از قرآن را در اختیار داشته که مخالفان سیاسی اش آن را کنار نهادند و در عوض نسخه‌ای رسمی را رواج دادند که توسط رقیب او عثمان خلیفه سوم صادر شده بود و از مصحف عثمانی، آیتی که حاوی نام علی علیه السلام و دیگر افراد اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان رهبران امت اسلامی بود حذف گردید و مصحف علی علیه السلام به صورت مخفیانه به امامان بعدی منتقل شد که مندرجات آن در زمان ظهور امام دوازدهم، بر جهانیان آشکار می‌گردد. آرای شیعیان در قرن چهارم همزمان با تأیید صحت اعتبار رسمی مصحف عثمانی توسط علمای شیعه نسبت به ماهیت مصحف علی علیه السلام تغییر یافت و شیعیان، قائل به این شدند که مصحف علی علیه السلام در عین مصون ماندن از تحریف به زیاده، سوره‌ها و آیات را بر اساس ترتیب اصلی نزول عرضه می‌دارد و شامل تفسیرهای امام علی علیه السلام است و آنچه که امامان به یکدیگر، منتقل نمودند، نظم و ترتیب اصلی نزول سور و تفسیرهای علی علیه السلام در رابطه با آیات است. علی آسانی در انتها به علم تأویل قرآن علی علیه السلام و فرزندانش اشاره می‌نماید و این که آنان با در اختیار داشتن علم باطنی وحی، توانایی آن را دارند که مؤمنان را به درک صحیح‌تر و قابل فهم‌تری از هدایت خداوند رهنمون سازند و در راستای این اعتقاد، شیعه، امامان خود را عالی‌ترین مرجع تفسیر وحی الهی قلمداد می‌کند که مشهور به قرآن ناطق می‌باشند و قرآن را «امام صامت» معرفی می‌نمایند. (همان: ۶۳)

۲-۱. نقاط قوت و قابل تحسین مدخل

مدخل از نقاط قوت بسیاری برخوردار است؛ از آن جمله: الف- ساختار منطقی

توأم با نظم حاکم بر مباحث؛ ب- گزیده‌نویسی و گزارشی بودن مطالب؛ پ- نام بردن از برخی از ویژگی‌ها و فضیلت‌های حضرت علی علیه السلام همانند شجاعت، وفاداری، پرهیزکاری، دانش عمیق حضرت نسبت به قرآن و سنت، امامت ایشان، محافظت از پیام وحی، برخورداری از علم تأویل قرآن و قرآن ناطق بودن؛ ت- پرهیز از یک جانبه‌گرایی و اشاره به برخی دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت درباره حضرت علی علیه السلام؛ این نقاط قوت، آن را در شمار مقالات خوب دائرةالمعارف لایدن درآورده است.

۲-۲-۲. چالش‌های مدخل

این مدخل، بر اساس معیارهای علمی، به چالش‌هایی از حیث ساختاری و محتوایی، به شرح زیر دچار است:

۲-۲-۲-۱. تحلیل انتقادی ساختار مدخل

هر نوشتار علمی اعم از مدخل‌های دائرةالمعارف، کتاب و مقاله، متناسب با معیارهای ساختاری خاص آن پژوهش، ارزشیابی می‌شود. از این رو، مدخل علی علیه السلام با سنجه ساختار متداول دائرةالمعارف مورد تحلیل و نقد، قرار می‌گیرد:

۲-۲-۲-۱-۱. عدم بررسی پیشینه

نویسنده مدخل، بر خلاف روش مرسوم، از آرایه پیشینه موضوع، خودداری نموده است و اشاره‌ای به مقالات یا نگاه‌های دائرةالمعارف‌های پیش از خود در این زمینه ننموده است که تفاوت یا نوآوری کار وی مشخص گردد.

۲-۲-۲-۱-۲. عدم به کارگیری روش‌های مناسب

پروفسور علی آسانی، در مدخل علی علیه السلام، به دو روش نقلی - تاریخی در اسناد- دهی مطالب و روش نقلی- برون متنی در روایات، بسنده کرده است؛ در حالی که این دو، روشی جامع و احسن، در نگارش این مدخل نیست؛ زیرا با توجه به ابعاد

شخصیتی حضرت علی علیه السلام و گوناگونی و تنوع آنها، به روش‌های دیگری همچون روش توصیفی، روش تحلیلی و روش مقایسه‌ای و تطبیقی در استخراج مطالب متقن، تحلیل، مقایسه و داوری، نیاز است. شاید به همین علت است که نویسنده، بدون تفکیک فرقه‌های شیعه، مطالبی را به شیعه نسبت می‌دهد که از سوی یکی از فرقه‌ها، ابراز شده و نزد فرقه‌های دیگر، مطرود است؛ این در حالی است که فرقه‌ای که از نام شیعه، در نزد علمای جهان اسلام و اندیشمندان مستشرق، متبادر می‌شود، شیعه امامیه است؛ به عنوان نمونه، اتهام قول به تحریف قرآن موجود و عدم به رسمیت شناختن مصحف عثمانی و تطور این اندیشه را به‌طور کلی به شیعه، نسبت می‌دهد. در صورتی که اکثر قریب به اتفاق عالمان شیعه امامیه، از ابتدا تاکنون به تأسی از اهل بیت (علیهم السلام) مصحف موجود را بدون وجود هیچ‌گونه تحریفی به رسمیت شناخته‌اند و تمامی تفاسیر نگاشته‌شده توسط مفسران شیعه از قرون اولیه تا دوران معاصر، بر اساس مصحف عثمانی به رشته تحریر درآمده‌است.

۲-۲-۱-۳. عدم استناددهی به منابع معتبر و دست اول

اعتبارسنجی و برآورد ارزشی یک مقاله علمی، بستگی به میزان مراجعه و استناددهی به مآخذ معتبر اولیه مرتبط به موضوع دارد؛ نخستین، مهم‌ترین و متقن‌ترین منبع، قرآن کریم و روایات نبوی است؛ ولی نویسنده مدخل، مراجعه غیر قابل قبول و کمی و در نتیجه استناددهی به آیات قرآن، روایات نبوی و تفاسیر متقن شیعی داشته‌است و این کاستی، در عدم جامعیت مطالب مدخل، مشهود است. شایسته می‌بود نگارنده، در جهت تکامل مطالب خویش به متن قرآن و روایات توجه بیشتری می‌نمود.

افزون بر آن، تحقیق و قلم زدن پیرامون معارف و اندیشه‌های پیروان یک مذهب و آشنایی با سیما و سیره بزرگان آن، می‌بایست با مراجعه و استناددهی به کتاب‌های

معتبر و پذیرفته شده آن مذهب، صورت پذیرد؛ نویسندگان مدخل در بیان عقاید و نگرش شیعه به مصحف امام علی و مصحف عثمانی، به منابع اصیل شیعی، مراجعه و استناددهی نداشته است. نگارنده می‌توانست با جستجو حتی در سایت‌های معتبر شیعی در فضای مجازی به فهرست و متن منابع اصیل شیعه امامیه دست یابد این در حالی است که اعتبار مدخل دائرةالمعارف به استناددهی به منابع اصیل و دست اول است، اما برخلاف انتظار، وی در نقل مطالب، صرفاً با مراجعه به منابع اهل سنت و انبوهی از مقالات و منابع مستشرقان، از جمله گلدزیهر، کلبه‌رگ و جی‌الیش اکتفا نموده است. به عنوان نمونه، در مورد ادعای انکار اعتبار شرعی مصحف عثمانی در منابع متقدم شیعه، آن را به مقاله «جمع قرآن» همان دائرةالمعارف، ارجاع داده است. این انتساب بدون استناد به منابع اصیل شیعی، در مقالات «تشیع و قرآن» و «قرآن» نیز تکرار شده است. (کریمی، ۱۳۹۱: ۱۳۸-۱۰۳) و این گونه استناددهی به مدخل‌های دیگر دائرةالمعارف، نشان‌گر میزان هم‌آوایی سایر مقالات دائرةالمعارف لایدن با یکدیگر در این زمینه است که در بخش بعدی مقاله، به‌طور مبسوط به آن پرداخته خواهد شد.

۲-۲-۲-۲. چالش‌های محتوایی

مدخل امام علی علیه السلام در دائرةالمعارف، به چالش‌های محتوایی فراوانی، دچار است:

۲-۲-۲-۲-۱. عدم جامعیت

شاید مهم‌ترین چالش را بتوان عدم جامعیت ناشی از نبود توجه و اشاره به نص آیات و روایات است؛ نویسندگان بسیاری از فضائل و مقامات شامخ علی علیه السلام که در منابع فریقین، به وفور یافت می‌شود، را بیان ننموده و به برخی از آنها، هیچ اشارتی نکرده است.

۲-۲-۲-۲-۲. اجمال و اختصارگویی

نویسندگان، تنها در حد دو صفحه از دائرةالمعارف، با خلاصه‌گویی مختل، به معرفی

اجمالی ابعاد گوناگون شخصیت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ و نگاه شیعیان، اکتفا نموده است و بدون ارائه سیمای کاملی از وجوه شخصیتی، نقش‌های تأثیرگذار تاریخی، رویکرد و عملکرد آن حضرت، نگارش خود را به پایان برده است در صورتی که وی محدودیتی در نگارش این مقاله نداشته است. براین اساس، شایسته بود نویسنده وقتی به محتوای روایاتی همچون حدیث غدیر، اشاره می‌کند، به جای اشاره تلویحی به محتوای حدیث غدیر، به بخش یا بخش‌هایی از نص حدیث متواتر غدیر، تصریح می‌نمود که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در آن خطبه فرموده‌اند: «...مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَى مَوْلَاهُ...» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۹۴/۱) «هر کس من مولا و سرپرست او هستم؛ پس علی مولا و سرپرست اوست» و بر اساس آن، به امامت حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ بدین معنا که پس از وفات پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، رهبری امور دنیوی و معنوی جامعه اسلامی را [لااقل برابر عقیده شیعه] عهده‌دار می‌باشد، اشاره‌ای می‌کرد و به عنوان یک مسلمان اهل سنت آگاه به منابع معتبر روایی آنها، برای جامعیت، اتقان و ارتقای سطح و ارزش بخشی علمی به پژوهش خویش، لااقل به برخی منابع روایی اهل سنت، استناد می‌نمود و به برخی از آنها، ارجاع می‌داد. به نظر می‌رسد آسانی می‌توانست در این زمینه، به حدیث معروف منزلت، از منابع فریقین نیز اشاره‌نماید که پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمودند: «يَا عَلِيُّ أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي» (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۴۰۷؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹۲/۱) «ای علی، نسبت تو با من، همانند نسبت هارون به موسی است، تنها فرقی این است که دیگر بعد از من، پیغمبری نخواهد بود.» همچنین شایسته بود نویسنده مدخل، به فضایل یا برترشماری آن حضرت نسبت به سایر صحابه در روایات اهل سنت، اشاره یا ارجاع می‌داد. همچون از احمد بن حنبل، نقل شده است: «ما جاء في أحدٍ، من الفضائل ما جاء في علي» (کراجکی، ۱۴۲۷: ۵۳)؛ «آن مقدار که روایت‌های صحیح و درست در فضایل

علی علیه السلام، آمده است، در فضایل هیچ یک از صحابه، نیامده است». یا در مقام تبیین اعتقادات شیعی، به روایات شیعی استناد می‌جست؛ همانند روایت ابن عباس که در مورد دانش امام علی می‌گوید: «عَلِيٌّ عُلْمٌ عِلْمًا عَلَّمَهُ رَسُولُ اللَّهِ وَ رَسُولُ اللَّهِ عَلَّمَهُ اللَّهُ فَعَلِمَ النَّبِيُّ مِنْ عِلْمِ اللَّهِ وَ عِلْمِ النَّبِيِّ وَ عَلِمِي مِنْ عِلْمِ عَلِيٍّ وَ مَا عَلِمِي وَ عِلْمٌ أَصْحَابِ مُحَمَّدٍ فِي عِلْمِ عَلِيٍّ إِلَّا كَقَطْرَةٍ فِي سَبْعَةِ أَبْحُرٍ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۰۵/ ۸۹) «دانش من و دانش همه اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله، در برابر علم علی علیه السلام نیست، مگر همانند قطره‌ای در مقابل هفت دریا».

نمونه دیگر، وی به برخورداری امام علی علیه السلام از دانش تأویل، تصریح کرده و بدون ارایه هیچ توضیحی در مورد آن، در می‌گذرد در حالی که می‌توانست مستندات روایی آن را ذکر نماید، همچون روایت: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ تَأْوِيلًا فَمَنْهُ مَا قَدْ جَاءَ وَ مِنْهُ مَا لَمْ يَجِئْ فَإِذَا وَقَعَ التَّأْوِيلُ فِي زَمَانٍ إِمَامٍ مِنَ الْأَئِمَّةِ عَرَفَهُ إِمَامُ ذَلِكَ الزَّمَانِ» (صفار، ۱۴۰۴: ۱۹۵/۱) «همانا قرآن را تأویلی است که برخی از آن، سپری شده و برخی هم هنوز نیامده؛ پس موقعی که تأویل در زمان امامی از امامان واقع شود، امام آن را بشناسد» یا بدون آوردن متن روایات، لااقل به منابع روایی ارجاع دهد. این اجمال زیان‌آور و گزیده‌گویی اخلال‌آفرین در معرفی امام علی علیه السلام، از چالش‌هایی است که به دلیل امکان تفصیل و ذکر و ارجاع افزون‌تر، کمی عجیب می‌نماید.

۲-۲-۲-۲-۳. عدم معرفی امام علی علیه السلام از منظر قرآن

علی آسانی در انتهای مدخل، حضرت علی علیه السلام را به عنوان «قرآن ناطق» معرفی نموده است (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱) و در برشماری فضائل آن حضرت، ایشان را عالم به معارف قرآن و سنت، شناسانده است که نشانگر ارتباط وثیق آن حضرت با قرآن است، اما هیچ اشاره‌ای به رابطه قرآن با آن حضرت ننموده است و از معرفی حضرت علی علیه السلام از منظر قرآن، سر باز زده است؛ با آن که وی، به عنوان یک

اندیشمند اهل سنت، از کتاب «شواهدالتنزیل لقواعدالتفضیل» حاکم حسکانی از علمای برجسته قرن پنجم اهل سنت که در معرفی و تبیین شخصیت حضرت علی علیه السلام نگاشته شده، مطلع بوده است؛ کتابی که در آن، ۲۰۹ آیه در شأن حضرت علی علیه السلام معرفی شده است. (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴) گفتنی است برخی از این آیات، به طور انحصاری در شأن علی بن ابی طالب نازل شده است که بیان کننده فضائل انحصاری آن حضرت می باشد همانند: آیه ۲۰۷ سوره بقره که معروف به آیه لیلۃ المیبت است که از مفسران شیعه و بسیاری از مفسران و اندیشمندان، اهل سنت، نقل شده است که نزول این آیه در شأن علی بن ابی طالب راه حتمی و مورد اتفاق دانسته اند. (ابن ابی الحدید، بی تا: ج ۲/ص ۴۸؛ میبیدی، ۱۳۷۱: ج ۱/ص ۵۵۴؛ رازی، ۱۴۲۰: ۳۵۰/۵؛ قمی، ۱۳۶۷: ۷۱/۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۳۵/۲؛ شبیبانی، ۱۴۱۳: ۲۷۸/۱) و برخی از آن آیات که با خطاب ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...﴾ آمده، مصداق اتم و بارز آن، به عنوان اولین مؤمن، حضرت علی علیه السلام معرفی شده است. (عیاشی، بی تا: ۲۸۹/۱)

آسانی حتی به آیات دال بر امامت علی علیه السلام در قرآن، اشاره نیز ننموده است و در مورد آیه ۳ سوره مائده: ﴿... الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا...﴾ (مائده/۳) امروز برای شما دینتان را کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم (با ولایت علی) خوشنود شدم که اسلام دین شما باشد. به اجماع شیعه و برخی از علمای اهل سنت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۷۳/۵؛ حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۰۰/۱) در مورد واقعه غدیر و امامت حضرت علی نازل شده است، سکوت پیشه کرده است. نیز در مورد آیه ۶۷ سوره مائده: ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...﴾ (مائده/۶۷) که دستور ابلاغ امامت علی علیه السلام را در بر دارد و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم پس از آن، حضرت علی علیه السلام را به عنوان امام معرفی نمودند، (شبیبانی، ۱۴۱۳: ۲۳۴/۲؛ قرائتی، ۱۳۸۳: ۱۲۷/۳) هیچ سخنی نه در جهت تأیید یا نفی، بیان نداشته است.

۲-۲-۲-۴. معرفی امام علی علیه السلام به عنوان پیشوای تصوف

آسانی در این مدخل، علی رغم برخورداری از مطالعات گسترده و تخصصی در زمینه تصوف، فرقه اسماعیلیه و عرفان، هم‌آوا با انگاره مستشرقان و گمان برخی از مسلمانان، همبستگی میان تصوف و تشیع را، امری مسلج، پنداشته و امام علی علیه السلام را به عنوان «شخصیت برجسته سنت‌های باطنی، از جمله تصوف، به شمار آورده است. (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۲/۱) اگر چه انگاره خطای عدم تفکیک میان عرفان ناب توحیدی و جریان صوفی‌گرای بدعت‌آمیز خانقاهی، و استناد دادن ظهور جریان تصوف از اندیشه اسلامی و همبستگی آن با دین اسلام و به‌زعم برخی تشیع، در میان غالب مستشرقان و برخی مسلمانان، رواج دارد و علل و عوامل این خطای بزرگ؛ اظهارات و انتساب‌های خود تصوف برای مشروعیت و حفظ پایگاه خویش و معرفی نمودن امام علی علیه السلام به عنوان سر سلسله تصوف و انتساب سلوک باطنی و روش عرفانی خود به آن حضرت و دیگر امامان اهل بیت علیهم السلام و تبلیغات گسترده آنان از قرن هشتم تاکنون در این زمینه است که سبب پدید آمدن این اشتباه در میان افراد مسلمان و مستشرقان شده است؛ این انگاره غلط، به گونه‌ای انبوهی یافته است که مستشرقان، نقطه اتصال و همبستگی تشیع و تصوف را موضوع «ولایت» می‌دانند (الهامی، ۱۳۷۸: ۳)؛ در حالی که مراجعه کوتاهی به روایات شیعی، می‌توانست نویسنده مدخل را از این پندار نادرست، دور سازد و به جداسازی عرفان ناب شیعی، از جریان تصوف بدعت‌آمیز رهنمون سازد؛ زیرا روایات متعددی در مذمت صوفیه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام در روایات شیعی وجود دارد. به عنوان نمونه از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خطاب به اباذر، در مورد پیش‌بینی شکل‌گیری این جریان، چنین نقل شده است: «يا أَبَا ذَرٍّ، يَكُونُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ قَوْمٌ يَلْبَسُونَ الصُّوفَ فِي صَيْفِهِمْ وَ شَتَائِهِمْ، يَرَوْنَ أَنَّ هُمُ الْفَضْلُ بِذَلِكَ عَلَى غَيْرِهِمْ، أَوْلَيْكَ يَلْعَنُهُمْ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (طوسی، ۱۴۱۴: ۹)؛

ای اباذر در آخرالزمان قومی خواهند آمد که در سرما و گرما، پشمینه می پوشند و این عمل را فضیلتی برای خویش بر دیگران می دانند، اما ملائکه آسمانها و زمین این قوم را لعنت می کنند. همچنین از امام رضا علیه السلام چنین نقل شده است: «مَنْ ذُكِرَ عِنْدَهُ الصُّوفِيَّةُ وَ لَمْ يَنْكُرْهُمْ بِلِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَلَيْسَ مِنَّا وَ مَنْ أَنْكَرَهُمْ فَكَأَنَّمَا جَاهَدَ الْكُفَّارَ بَيْنَ يَدَيِ رَسُولِ اللَّهِ» (قمی، ۱۴۱۴: ۱۹۷/۵) کسی که نزد او از صوفیه سخن گفته شود و او آنها را به زبان و قلبش، انکار نکند از ما نیست. گفتنی است این تحلیل انتقادی به معنی نفی معنویت گرایی و ولایتی ناب اسلامی نیست؛ بلکه به معنای لزوم جداسازی و تفکیک محققانه جریان صوفیه از آن است؛ زیرا معنویت ولایتی و عرفان ناب شیعی که از معنویت، ارشاد و روش سیر و سلوکی ائمه معصومین علیهم السلام، نشأت گرفته و عارفانی واصل را تربیت نموده، به طور کلی، با جریان تصوف و مناسک ساختگی و آداب من درآوردی آنها، متفاوت، بلکه در تقابل و تضاد است. بر این اساس، معرفی امام علی علیه السلام به عنوان شخصیت برجسته باطنیه و تصوف، در این مدخل، سخنی دور از واقعیت و برکنار از دقت بایسته تحقیق است.

۲-۲-۲-۲-۵. عدم به کارگیری لفظ «شهادت» در گزارش رحلت

در این مدخل، گفته شده: «پس از درگذشت او امامت به فرزندان وی رسید.» (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱) این تعبیر، از نظر واقعیت‌نمایی، دچار چالش جدی است؛ زیرا با توجه به این که نویسنده مدخل، به عنوان یک مسلمان آشنا با فرهنگ قرآن و روایات، با تفاوت بار معنایی درگذشت و شهادت، آشناست و افزون بر آن، در حال گزارش این مطلب، بر طبق آموزه‌های شیعی است، به کارگیری لفظ «درگذشت» برای توصیف رحلت آن حضرت، واژگانی نامناسب و نامطلوب است؛ چون واژه‌های مرگ و درگذشت برای فردی به کار می رود که به مرگ طبیعی از دنیا رفته باشد، در حالی است که حضرت علی علیه السلام در محراب عبادت به «شهادت»

رسید و هرگز این توجیه را نمی‌توان پذیرفت که نویسنده مدخل، به جهت نامأنوس بودن نزد او یا دیگران، از به‌کارگیری تعبیر شهادت خودداری نموده است؛ چون وی به عنوان یک مسلمان مستشرق و نیز خوانندگان این دائرةالمعارف تخصصی، با فرهنگ «شهادت» و کلمه «شهید»، آشنا هستند.

۲-۲-۲-۲-۶. اطلاق ناصحیح «امام صامت» بر قرآن

در این مدخل می‌خوانیم: «امامان شیعه که عالی‌ترین مرجع تفسیر وحی الهی‌اند، معمولاً «قرآن ناطق» خطاب شدند و خود متن قرآن، «امام صامت» نامیده شده است.» (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱) به نظر می‌رسد که عدم مراجعه وی به کتب روایی شیعه، یا عدم دقت، موجب کاربرد نادرست اصطلاح «امام صامت» به جای عبارت صحیح «کتاب صامت» شده است؛ زیرا امام علی علیه السلام در جنگ صفین، خطاب به کسانی که قرآن‌ها را بر سر نیزه نموده بودند و شعار «لَا حُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» می‌دادند و خواهان حکمیت قرآن بودند، فرموده‌اند: «هَذَا كِتَابُ اللَّهِ الصَّامِتِ وَ أَنَا كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقِ» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۴/۲۷) «قرآن، کتاب ساکت خداوند و من، کتاب ناطق خداوند هستم.» ولی هیچ‌گاه، در هیچ یک از منابع اسلامی و روایی، «امام صامت» به متن قرآن، اطلاق نشده است؛ بلکه در روایات، تعبیر «امام صامت» فقط به امامی اطلاق شده است که همزمان با امام پیشین خود، زیست می‌کند؛ به عنوان نمونه شیخ کلینی به سند صحیح از حسین بن ابی‌العلاء نقل می‌کند: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: تَكُونُ الْأَرْضَ لَيْسَ فِيهَا إِمَامٌ؟ قَالَ لَا. قُلْتُ يَكُونُ إِمَامَانِ؟ قَالَ: لَا إِلَّا وَ أَحَدُهُمَا صَامِتٌ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳۳/۱) به امام صادق عليه السلام گفتم: آیا زمین می‌تواند بدون امام باشد؟ فرمود: خیر. گفتم همزمان دو امام می‌توانند باشند؟ فرمود خیر مگر آن که یکی از آن دو، صامت باشد.» به نظر می‌رسد در این‌گونه روایات، «صامت» به معنای فرمان ندادن و عدم مداخله در امور رهبری امام پیشین است و این حالت، تنها زمانی اتفاق می‌افتد که دو امام،

در یک عصر، به‌طور همزمان، در قید حیات باشند ولی یکی زعامت را بر عهده داشته‌باشد و دیگری از او متابعت می‌کند، همانند زیست هم‌زمان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام در یک عصر. بدینسان اطلاق امام صامت بر قرآن، کاربردی ناموجه و غیرمنطبق بر روایات شیعی است.

۲-۲-۲-۷. انگاره ناصواب در تطور عقیده شیعه نسبت به مصحف امام علی علیه السلام و مصحف عثمانی

مدخل کوتاه امام علی علیه السلام، بحث مبسوطی در رابطه با رویکرد شیعه نسبت به قرآن را در خود، جای داده‌است. نویسنده مدخل، همسو با برخی از مستشرقان، (گلدزیهر، ۱۳۸۳: ۲۵۱-۲۴۸)، رویکرد شیعیان به مصحف علی علیه السلام و مصحف عثمانی را به دو بازه زمانی؛ قبل از قرن چهارم و بعد از آن، تقسیم‌بندی نموده و اظهار می‌دارد که تا قبل از قرن چهارم، شیعیان به تحریف قرآن، باور داشتند چون شیعیان قائل به این امر بودند که عثمان (خلیفه سوم)، آیاتی از آن را که حاوی نام علی علیه السلام و دیگر امامان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بوده را از قرآن حذف نموده و مصحف عثمانی، جایگزین مصحف علی علیه السلام که حاوی نام آن حضرت و امامان دیگر بوده، شده‌است و بر مبنای روایات شیعه، مصحف امام علی، به‌طور مخفیانه در اختیار امامان معصوم قرارگرفت که در زمان امام دوازدهم، مندرجات آن بر جهانیان آشکار خواهدشد. وی تفاوت دیگر مصحف علی علیه السلام با مصحف عثمانی را در ترتیب سوره‌ها و آیات و اندراج تفسیرهای علی علیه السلام در ذیل آیات، دانسته و آن را از هر نوع تحریف به زیاده، مصون معرفی کرده‌است. به زعم آنان، شیعیان از قرن چهارم به‌بعد، از عقیده خود بازگشت نموده و صحت اعتبار مصحف عثمانی در قرن چهارم توسط علمای شیعه تأیید شده است. (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱)

به نظر نگارندگان این پژوهش، متطور دانستن عقیده شیعه، نسبت به قرآن و اذعان

شیعیان به مصحف عثمانی با وقفه چهار قرنی، تنها می‌تواند از سویه‌گیری و پیش فرض‌های ذهنی آسانی، سرچشمه گرفته باشد؛ زیرا بر اساس شواهد قرآنی، دلایل تاریخی و روایات، هرگز نام امامان در متن آیات قرآن کریم، نیامده است به عنوان نمونه در صحیح ابابصیر که از امام صادق علیه السلام پرسیدند: «مردم می‌گویند که چرا نام علی و اهل بیتش در کتاب خدا، نیامده است» امام پاسخ دادند اساساً سبک قرآن چنین نیست. (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۸/۱)، بر این اساس، استناد این انگاره، به شیعه صحیح نیست و ادعای محدث جزائری و نوری در مورد وجود نام مبارک ایشان در قرآن، از سوی محققان، مردود شمرده شده است. (محمدی آشنانی، ۱۳۹۹: ۲) افزون بر آن، استناد عدم اعتبار مصحف عثمانی به شیعیان، امری خلاف واقعیت است؛ زیرا روایات و تاریخ به خوبی روشن می‌سازد که ائمه و پیروان صادق آنان، هرگز قرآن عثمانی را زیر سؤال نبرده بودند و کاملاً آن را معتبر می‌شمردند؛ به سند صحیح از امام علی علیه السلام، نقل شده است: «فوالله ما فعل الذي فعل في المصاحف، إلا عن ملاء منا؛ به خدا سوگند، عثمان در مورد مصاحف، به جز با مشورت و همراهی ما، کاری انجام نداد» این روایت، نشانگر آن است که امام علی و شیعیان آن حضرت، از همان ابتدا، صحت اعتبار مصحف عثمانی را تأیید نمودند. دستیابی به این روایت و روایات مشابه آن که در منابع علوم و تاریخ قرآن اهل سنت و شیعه انعکاس یافته، (سیوطی، بی تا: ۲۹۰/۱؛ هاشمی‌خویی، بی تا: ج ۱۶/۲۶۹) برای نویسنده مدخل، میسر بوده است؛ لذا استناد نپذیرفتن مصحف عثمانی به شیعیان، ناپذیرفتنی است.

بعلاوه تصریح آسانی به این که «امام علی، مسئولیت حفظ و نگهداری پیام الهی را بر عهده داشتند.» (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱) و عدم تغییر دادن مصحف عثمانی در زمان حکومت خود، نشان‌دهنده تأیید و تقریر عملی آن حضرت نسبت به مصحف عثمانی است. افزون بر آن، اگر عثمان اقدام به حذف آیات بیانگر فضیلت امام علی

می‌نمود، یقیناً به خاطر تحریف قرآن، مورد هجمه مخالفانش قرار می‌گرفت در حالی که چنین نشد. (خوئی، بی‌تا: ۲۱۸) افزون بر موارد پیشین، عالمان شیعی از ابتدا، تاکنون بر عدم امکان تحریف قرآن، اتفاق نظر داشته‌اند و با صراحت و به‌آشکار، پیراستگی قرآن از هر نوع تحریفی را اعلام کرده‌اند. به همین جهت بسیاری از اندیشمندان اهل سنت نیز به میرا بودن شیعه از اتهام تحریف قرآن، اذعان نموده‌اند. (معرفت، بی‌تا: ۲) بر این اساس، نویسنده مدخل، می‌توانست رویکرد «انتساب تحریف به کاستی به خلیفه سوم» را برگرفته از اندیشه غلات (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۵/۱۳) و نظر شاذ دو محدث؛ جزائری و نوری (نوری، بی‌تا: ۲۰۸-۱۸۴) معرفی نماید که گزارش واقعیت می‌بود؛ هرچند، محدث نوری نیز پس از نگارش کتاب «فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب»، مورد اعتراض شدید اندیشمندان شیعی قرار گرفت، به گفته شیخ آقا بزرگ تهرانی، شاگرد نزدیک وی، از نامگذاری فوق، پشیمان شد: «از استادم محدث نوری شنیدم که می‌گفت: من در این کتاب کوشیدم تا اثبات کنم که قرآن موجود، همان است که در دوران عثمان جمع‌آوری شده و در آن تغییر و تبدیلی که در کتاب‌های پیشین تحقق یافته، رخ نداده‌است، از این رو بهتر بود آن را «فصل الخطاب فی عدم تحریف‌الکتاب» گویند در حالی که عنوان «فصل الخطاب فی تحریف‌الکتاب» مردم را در یافتن مراد من، به اشتباه انداخته‌است. (آقابزرگ تهرانی، بی‌تا: ۲۲/۱۰) از سوی دیگر، ادعای تغییر موضع شیعیان در مورد مصحف عثمانی بعد از قرن چهارم نیز، ادعایی بدون مستند است که در هم‌آوایی با سایر مکتوبات مستشرقین صورت پذیرفته است. البته مستشرقین منصفی نیز وجود دارند که از اساس، تشیع را از اتهام تحریف، مبرا می‌دانند. (قرائی سلطان‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۰۷)

به علاوه، اندیشمندان شیعه، روایاتی که حاوی نام حضرت علی و عبارت «فی علی» هستند، از قبیل اضافات تفسیری و بیانگر شأن نزول یا بیان مصداق و مقصود

آیه دانسته‌اند همانند آنچه در ما بین آیه ﴿يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (مانده/۶۷) نقل شده است. (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰: ۷۰/۱) یا روایتی که در درالمتنور سیوطی از ابن مسعود وجود دارد: «كُنَّا نَقْرَأُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ؛ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - أَنْ عَلِيًّا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...» (سیوطی، بی تا: ۱۱۷/۳)، این روایات، از نگاه حدیث پژوهان شیعی، از روایاتی است که صحابه در تفسیر آیه ۶۷ سوره مائده، نقل نموده‌اند و برخی گمان برده‌اند که جزء نص قرآنی است؛ در صورتی که از نوع روایات بیان‌کننده اختلاف قرائات، یا بیانگر مقصود است. (عسگری، ۱۴۱۶: ۱۹۷/۲).

۲-۲-۳. سنجش هم‌آوایی مدخل با مکتوبات استشرافی و اسلامی

مدخل علی عليه السلام، در پاره‌ای موارد، از هم‌آوایی نسبتاً خوبی با نص قرآنی و روایات اسلامی، منابع تاریخی و کتب کلامی شیعه، برخوردار است، اما در پاره‌ای موارد نیز بر اساس گمان‌های خطا و آرای غیرمستند مستشرقان، نگاشته شده است. در این بخش، با خوانش منابع گوناگون اسلامی و استشرافی، به اختصار، میزان هم‌آوایی نظرات علی سلطان آسانی از مکتوبات اسلامی - استشرافی مورد بررسی و تحلیل، قرار می‌گیرد:

۲-۲-۳-۱. میزان هم‌آوایی با نگاشته‌های استشرافی

در دایرةالمعارف لایدن، همراه با مدخل امام «علی عليه السلام» مدخل‌های متعددی نگاشته شده است که مرتبط با قرآن، شیعه و خانواده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشد که وجوه مشترک زیاد و هم‌آوایی‌های فراوانی میان آنان مشهود است که به بررسی و تحلیل آن، پرداخته می‌شود.

۲-۲-۳-۱. هم‌آوایی در محتوا و تعبیر

مدخل امام‌علی علیه السلام، با مدخل‌های دیگر لایدن، هم‌آوایی فراوان و معناداری دارد؛ استنادات و ارجاعات فراوانی که در درون متن و در انتهای نگاه‌های این مدخل، به سایر مدخل‌های هم‌خانواده، به خوبی نشان‌دهنده وجوه و فراوانی هم‌آوایی آن، با سایر مکتوبات مستشرقین، از لحاظ محتوا، تعبیر و منابع است؛ از آن جمله، مدخل «تشیع و قرآن»، دایرة‌المعارف لایدن، به قلم بارآشر، است. نخستین هم‌آوایی این دو نگاه‌شده، در انتساب ادعای تحریف به کاستی قرآن و عدم اعتبار شرعی مصحف عثمانی به شیعه در قرون اولیه است که در هر دو مدخل، تکرار شده است؛ با این تفاوت که علی‌سلطان آسانی این تحریف را از قول شیعه به عثمان ولی بارآشر، این تحریف‌گری به کاستی را به خلفا، نسبت داده‌است و منشأ این حذف بخش‌های قرآن را رویکردگرایش‌های سیاسی ویراستاران، در جمع‌آوری قرآن می‌داند. (بار آشر، ۲۰۰۶: ۴/۵۹۳) همچنین هر دو نویسنده، هم‌آوا با یکدیگر، به مشی میانه دانشمندان شیعه قرن چهارم در اعتقاد به تحریف قرآن، تفوه کرده‌اند با این تفاوت که به زعم بارآشر، شیعیان این دوره، تحریف قرآن را به طور صریح مطرح نمودند؛ اما همچنان به تحریف به نقیصه معتقد بودند. ادعای انکار اعتبار مصحف عثمانی نزد شیعیان در مدخل «قرآن»، اثر چارلز جوزف آدامز (آدامز، ۲۰۰۰: ۲۳۶/۲) و نیز در مدخل «جمع قرآن» اثر جان برتون نیز حذف آیات مربوط به اهل بیت علیهم السلام توسط عثمان، (برتون، ۲۰۰۲: ۲/۳۵۴) در مدخل‌های گوناگون دایرة‌المعارف لایدن وجود دارد که هم‌آوایی داخلی مکتوبات آن را نشان می‌دهد.

گفتنی است افزون بر این هم‌نوایی درونی، نگاه‌های پیش‌گفته، با دیدگاه گلدزیهر، به عنوان یک مکتوب استشرافی مستقل، هم‌آوا است که شیعه در قرون اولیه، مصحف عثمانی را قبول نداشته است و همواره آن را، رویاروی مصحف

علی علیه السلام می دانسته است. (گلدزیهر، ۱۳۸۳: ۲۸۹) هم‌آوایی محتوایی مقاله علی علیه السلام با سایر مکتوبات مستشرقین همچون رژی بلاشر در کتاب «در آستانه قرآن» نیز مشهود است؛ چون بلاشر نیز شیعیان را قائل به تحریف در قرآن شناسانده و دلیل مدعای خود را، اعتقاد شیعه مبنی بر وجود اسامی و اشاراتی از علی و اولاد وی و حذف آنها توسط برخی چون عثمان، دانسته است. (بلاشر، ۱۳۷۸: ۴۷) همچنین هانری ماسیه در کتاب «الاسلام» حذف مقاطع مربوط به اهل بیت از قرآن توسط عثمان و اختفای قرآن منطبق با وحی الهی نزد امامان شیعه و آشکار شدن آن در زمان ظهور امام غائب را به شیعیان نسبت داده است؛ با این تفاوت که آسانی، قائل به این مطلب شده است که شیعیان در قرن چهارم موضع خود را نسبت به اعتبار مصحف عثمانی و وجود اضافات تفسیری در مصحف علی علیه السلام تغییر داده‌اند. (عسکری، ۱۴۱۶: ۷۹۱/۲) همچنین رابرت موری در کتاب «تهاجم اسلام» که شیعیان را در تحریف قرآن، مقصر می‌داند و به نقل از گیوم، شیعیان را متهم می‌کند به این که به گفته آنان، ۲۵ درصد قرآن در زمان عثمان کنار گذاشته شده است (قرائی سلطان‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۰۷) این سخنان، همچنین با دیدگاه «نولدکه» در کتاب «تاریخ القرآن» هم‌آوا است که دیدگاه شیعه را، حذف آیات مشتمل بر اسامی اهل بیت علیهم السلام از سوی عثمان، معرفی می‌نماید. به گفته برخی محققان، پیش‌کسوتی نولدکه به‌عنوان یک مستشرق در زمینه قرآن‌پژوهی روشن است؛ از این رو، می‌توان گفت وی در تثبیت مسئله تحریف در اندیشه استشراقی، سهم عمده‌ای داشته است و طریقی را برای طرح تحریف قرآن، گشوده است. (قرائی سلطان‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۳۶-۱۰۷) بدینسان هم‌آوایی درونی و بیرونی ادعای تحریف در مصحف عثمانی، از سوی شیعیان، به خوبی مشهود است و همان‌گونه که در تحلیل و بررسی محتوای مدخل امام علی علیه السلام گفته شد، این انتساب، به دلایل گوناگون، به هیچ وجه با واقعیت سازگاری ندارد.

مورد دیگر، هم‌آوایی مدخل امام علی با مدخل «تشیع و قرآن» بارآشر در دائرةالمعارف لایدن، اشاره هر دو نویسنده، به اشراف حضرت علی و فرزندان‌شان (علیه‌السلام) به فهم باطنی قرآن است؛ با این تفاوت که آسانی، با لحن ملایم‌تری با تأکید بر اعتقاد شیعه نسبت به امامت حضرت علی (علیه‌السلام) و فرزندان‌ش، تأویل قرآن را به عنوان علم خدادادی، به این خاندان، معرفی نموده است (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱)، اما بارآشر، با سوگیری خاصی، ادعا می‌نماید که شیعیان معتقدند که حق تفسیر و فهم قرآن، به‌طور انحصاری، مختص حضرت علی و خاندان ایشان است و این انحصار را به‌عنوان یکی از اصول تفسیر شیعه مطرح می‌کند و سعی می‌نماید مدعای سابق خویش مبنی بر انتساب تحریف قرآن به شیعیان را اثبات کند. (کریمی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۲۴) به نظر می‌رسد گزارش مدخل امام علی از باورهای شیعی، به واقعیت نزدیکتر است؛ زیرا شیعیان، فهم قرآن و آموزه‌های آن را، برای عموم افراد، ممکن و روا می‌دانند (مصباح‌زیدی، ۱۳۸۶: ۵) و بر اساس آیه ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقع/ ۷۹) جز پاکان، به {حقایق و اسرار} قرآن، دسترسی ندارند و برابر تصریح آیه (... ﴿إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ اَهْلِ الْبَيْتِ وَ يَطَهِّرَكُم تَطْهِيراً﴾ (احزاب/ ۳) «همانا خدا می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت پیامبر خاتم دور کند و شما را کاملاً پاک سازد» که اهل بیت، به اراده الهی، تطهیر یافته‌اند، و امامان اهل بیت را دارای آگاهی کامل به همه حقایق و مراتب معارف قرآن می‌شناسانند (حسینی همدانی، ۱۴۰۴: ۱۶/۱۴۰) گفتنی است پاره‌ای از افراط‌گرایان اهل حدیث از روایات (انما يفهم القرآن من حوْطب به) منحصر بودن فهم قرآن به ائمه را، برداشت نموده و در ذیل آیاتی که روایتی در تفسیر نیامده، سخنی نگفته‌اند (راجانی، مودب، ۱۳۹۷: ۱۱) ولی انتساب دیدگاه آنان، به شیعیان به صورت مطلق، خلاف واقع و روا نیست؛ زیرا روش اغلب مفسران شیعه، تفسیر همه آیات قرآن، بر اساس دیگر آیات قرآن و روایات در صورت وجود، (طباطبایی،

۱۴۱۷: ۴۳/۶) و دلایل عقلی (مغنیه، ۱۴۲۴: ۹۸/۳) و کشف، شهود و مشاهدات قلبی در تفاسیر عرفانی (تستری، ۱۴۲۳: ۵۹/۱) است. بدین رو، انتساب قول شاذ و نادری از افراط‌گرایانه اهل حدیث به شیعیان، توسط بارآشر، سوگیرانه و ناروا است.

مورد سوم معرفی حضرت علی (علیه السلام) به عنوان یکی از برجستگان تصوف است که مدخل امام علی آسانی آن را هم‌آوا با هانری کرین و مقاله تصوف، مطرح ساخته است؛ با این تفاوت که هانری کرین، حقیقت تصوف و تشیع را یکی شناسانده است. (الهامی، ۱۳۷۸: ۳) در این انگاره، بین عرفان حقیقی، با جریان تصوف، تمایزی وجود ندارد درحالی که شیعه همواره در حال پیکار با صوفیه‌ای بوده که با وام‌گیری از نام معصومین، بقا و دوام خود را به ولایت آنها، مستند ساخته‌اند ولی با بی‌اعتنایی به معتقدات تشیع، طریقتی موازی با طریقت معصومین (علیهم السلام) ایجاد نموده‌اند. (شمس، ۱۳۹۹ش، ۵) افزون بر وی، پل‌نویا نیز حضرت علی (علیه السلام) را از برجستگان تصوف، معرفی نموده؛ با این تفاوت که پل‌نویا، با توضیحی مبسوط، صوفیان سده‌های نخستین را متأثر از قرآن کریم، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، حضرت علی و امام صادق (علیه السلام) می‌داند. (نویا، ۱۳۷۳: ۱۳۶) همان‌گونه که گفته شد، این انگاره و انتساب نادرست، از عدم تفکیک میان عرفان ناب توحیدی و جریان صوفی‌گرای بدعت‌آمیز است که در میان مستشرقان و برخی مسلمانان، رواج دارد.

همان‌گونه که ملاحظه شد انگاره‌های نادرست مدخل امام علی (علیه السلام)، دارای هم‌آوایی بسیار زیادی، با مدخل‌های دیگر دائرةالمعارف لایدن و مکتوبات مستقل استشرافی بیرونی را دارد و تفاوت دیدگاه‌ها، بین آنها، کم و جزئی است.

۲-۲-۳-۱-۲. هم‌آوایی و ارجاع حداکثری به منابع استشرافی

مدخل علی (علیه السلام) دایرةالمعارف لایدن، از نظر منابع، هم‌آوایی زیادی با مقاله «تحریف» نگاشته «حوا لازروس یافه» در دایرةالمعارف اسلام، دارد؛ زیرا هر دو مقاله، با بهره‌گیری

از یک منبع مشترک به نام «یادداشت‌هایی از گرایش امامت شیعه» به قلم «کلبرگ»، به وجود تحریف به نقیصه و حذف اشارات قرآنی، به امام علی و اهل بیت علیهم‌السلام، از نظر شیعه تصریح نمودند. (حسنعلی‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۱) همچنین مطالب مدخل امام علی با مدخل‌های «تشیع و قرآن»، «قرآن»، «جمع قرآن» و «تشیع و قرآن» و «تصوف و قرآن» دایرة‌المعارف لایدن، هم‌آوایی حداکثری و تفاوت‌های جزئی دارد و با کتب استشرافی «تهاجم اسلام» «تاریخ‌القرآن» نولدکه، «در آستانه قرآن» رژی بلاشر «الاسلام» هانری ماسیه و نگاه‌های گل‌دزیهر، هانری کرین و پل‌نویا، همراهی بسیار زیادی دارد.

۲-۲-۳-۲. میزان هم‌آوایی با مکتوبات اسلامی

مطالب مدخل امام علی علیه‌السلام با منابع روایی، تفسیری و تاریخی شیعی نشان نمی‌دهد و ارجاعی به آنها صورت نپذیرفته‌است؛ به‌عنوان نمونه، کاربرد نادرست اصطلاح «امام صامت» نسبت به قرآن؛ در حالی این اصطلاح در مورد امامی به‌کار می‌رود که هم‌زمان با امام دیگر زیست می‌کند، نیز انتساب شیعه به انگاره تحریف به کاستی در مورد قرآن و عدم اعتبار مصحف عثمانی و پافشاری شیعه بر مصحف امام علی علیه‌السلام و تأکید بر تفاوت آن، با مصحف عثمانی تا قرن چهارم، هیچ‌گونه هم‌آوایی با منابع اصیل شیعه امامیه ندارد. اما در مواردی، مطالب هم‌آوا با آموزه‌های شیعی، گزارش شده‌است؛ همانند اشاره به امامت حضرت علی علیه‌السلام بعد از رحلت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان رهبر امور دنیوی و معنوی جامعه اسلامی و اشاره به شأن نزول آیات ۳ و ۶۷ سوره مائده و حدیث متواتر غدیر، هر چند نصوص آیات و روایات ذکر نشده است و استنادی به تفاسیر فریقین، نشده است. وی همچنین بر طبق آموزه‌های شیعه، یکی از وظایف امام را مسئولیت حفظ و نگهداری پیام الهی وحی دانسته و به علم الهی آن حضرت در رابطه با تأویل و بطون آیات اشاره

می‌کند، (آسانی، ۲۰۰۱: ۶۳/۱) که با متون شیعی، همگونی و همگنی دارد، ولی اثری از ارجاع به منابع تفسیری شیعه امامیه یا روایات در این زمینه‌ها مشاهده نمی‌گردد. به علاوه اشارات وی به دست‌اندازی برخی صحابه نزدیک به پیامبر ﷺ، به رهبری جامعه اسلامی، نیز با نقل‌های تاریخی و روایی شیعه، هم‌آوایی دارد.

همچنین هم‌آوایی خاصی با منابع اهل سنت نیز در آن، مشاهده نمی‌شود. برای نمونه، طبق روایات اهل سنت، حضرت علی علیه السلام در محراب نماز با ضربه شمشیر زهر آلود ابن ملجم، در شب نوزدهم رمضان، ضربت خورده و به سبب آن، در شب بیست و یک به لقاء حق پیوستند. (متقی، ۱۴۱۳: ۱۶۴/۱؛ صنعانی، بی تا: ۱۰۳؛ ابن حنبل، بی تا: ۵۵۸/۲) با توجه به سنی مذهب بودن نویسنده، وی به آسانی می‌توانست با استناد به منابع پیش گفته، شهادت حضرت علی علیه السلام را گزارش نماید و از کاربست واژه درگذشت و مرگ، دوری گزیند. البته شاید بتوان گفت ادعای وی بر سرسلسله بودن حضرت علی نسبت به باطنیه، با برخی از قدیمی‌ترین مکتوبات جریان تصوف که حضرت علی علیه السلام را از برجستگان و اقطاب متصوفه معرفی نموده، با منابع متصوفه اهل سنت هم‌آوایی دارد. (معصوم شیرازی، ۱۳۳۹: ۵۰۴/۱)

نتیجه‌گیری

دایرةالمعارف لایدن، از جدیدترین و به‌روزترین پژوهش‌ها در خصوص اسلام و قرآن است. مدخل امام علی علیه السلام آن، گرچه دارای نکات مثبتی همچون: ساختار منطقی توأم با نظم حاکم بر مباحث، گزیده‌نویسی و گزارشی بودن مطالب؛ ذکر ویژگی‌ها و فضیلت‌های آن حضرت و صحت گزارش برخی دیدگاه‌های شیعه درباره آن حضرت است، ولی این مقاله، از نظر محتوایی و منابع استنادی، دچار چالش‌های جدی است:

(۱) مدخل امام علی علیه السلام از چالش‌های زیادی همانند: ۱. عدم جامعیت و عدم اشاره

به نص آیات و روایات ۲. اجمال و اختصارگویی زیان‌آور و اخلال‌آفرین ۳. عدم معرفی امام علی علیه السلام از منظر قرآن، علی‌رغم شناساندن آن حضرت به عنوان «قرآن ناطق» ۴. معرفی امام علی علیه السلام به عنوان پیشوای تصوف علی‌رغم جدایی کامل عرفان ناب شیعی از تصوف و مخالفت امامان اهل‌بیت با آن، ۵. عدم به‌کارگیری لفظ «شهادت» در گزارش رحلت آن حضرت، ۶. اطلاق ناصحیح «امام صامت» بر قرآن علی‌رغم اطلاق آن اصطلاح بر یکی از دو امام هم‌زمان، در روایات شیعی، ۷. گزارش ناصواب در مورد عقیده شیعه مبنی بر اشمال مصحف امام علی علیه السلام بر نام و فضایل آن حضرت در متن قرآن ۸. انتساب نادرست مخالفت شیعیان با مصحف عثمانی تا قرن چهارم هجری و تطور این دیدگاه و پذیرش آن مصحف در قرن چهارم است.

۲) مدخل امام علی علیه السلام، با مدخل‌های دیگر لاییدن، همچون مدخل‌های «قرآن»، مدخل «جمع قرآن»، «تشیع و قرآن» و «تصوف و قرآن» همچنین با مکتوبات مستقل استشرافی همانند نوشته‌های گلدزیهر، رژی بلاشر، رابرت موری، نولدکه و هانری کرین، هم‌آوایی، فراوان و معناداری دارد و استنادات و ارجاعات فراوان آن، به سایر مدخل‌ها، نشان‌دهنده هم‌آوایی حداکثری آن، با سایر نگاه‌های مستشرقین، از لحاظ محتوا، تعبیر و منابع است و تفاوت محتوایی آنها، بسیار کم و جزئی است.

۳) مدخل علی علیه السلام، گرچه حاوی مطالب درست در مورد امام علی و معتقدات شیعی است؛ ولی بر خلاف انتظار، در آن، به هیچ‌یک از منابع روایی، تفسیری و تاریخی شیعه، مراجعه نشده و ارجاعی به آنها صورت پذیرفته است. همچنین هم‌آوایی خاصی با منابع اهل سنت نیز در آن، مشاهده نمی‌شود و بیشتر بر اساس گمان‌ها و آرای مستشرقان، نگاه شده است.

منابع

- قرآن
- آقابزرگ طهرانی، محمد محسن. (بی تا). الذریعه الى تصانیف الشیعه. نجف: مطبعة الغری.
- ایازی، سید محمدعلی. (۱۳۸۵). سیر تطور تفاسیر شیعه. دانشگاه آزاد اسلامی، تهران: واحد علوم و تحقیقات.
- ابن حنبل، احمد بن محمد. (بی تا). فضائل الصحابه. شیبانی. بی جا: دار ابن الجوزی.
- اسکندرلو، محمد جواد؛ کاظمی، شهاب؛ حیدری سحر. (۱۳۹۲ش). «نقد و بررسی دیدگاه‌های گلدزیهر پیرامون سبک تفسیر شیعه». دوفصلنامه علمی ترویجی قرآن پژوهی خاورشناسان، بهار و تابستان، سال هشتم، ۱۴.
- ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله. (بی تا). شرح نهج البلاغه. قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- ابن بابویه، محمد. (۱۳۷۶). الامالی. تهران: کتابچی.
- الهامی، داود. (۱۳۷۸). موضع تشیع در برابر تصوف در طول تاریخ. قم: مکتب الاسلام.
- بلاشر، رؤی. (۱۳۷۸). در آستانه قرآن. محمود رامیار. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بلاغی نجفی، محمدجواد. (۱۴۲۰). آلاء الرحمان فی تفسیرالقرآن. قم: بنیاد بعثت.
- تستری، ابو محمد سهل. (۱۴۲۳). تفسیرالتستری. منشورات محمد علی بیضون/ بیروت: دارالکتب العلمیه.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی همدانی، سید محمدحسین. (۱۴۰۴). انوار درخشان. تهران: کتاب فروشی لطفی.
- حسکانی، عبدالله بن عبدالله. (بی تا). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. اصفهان: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت علیهم السلام.
- حسنعلی زاده، وحید. (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل انتقادی مدخل تحریف در دایره المعارف‌های قرآن و اسلام». دانشکده علوم فنون قرآن کریم تهران.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (بی تا). البیان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
- رازی، فخرالدین. (۱۴۲۰). مفاتیح الغیب. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- راجانی، کمیل، مؤدب، سیدرضا. (۱۳۹۷). «بررسی تحلیلی حدیث «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ حُوطِبَ بِهِ»». دوفصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیم. سال هشتم. شماره هجدهم.
- زمانی، محمد حسن. (۱۳۹۵). مستشرقان و قرآن نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن. قم: بوستان کتاب.
- سیوطی، جلال الدین. (بی تا). درالمنثور فی التفسیر بالمأثور. بیروت: دارالفکر.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۴۲۱). الاتقان فی تفسیرالقرآن. بی جا: دارالکتب العربی.
- شمس، عاطفه، محسن آزموده. (۱۳۹۹). «تشیع و تصوف از دیدگاه هنری کرین». روزنامه اعتماد.
- شیبانی، محمد. (۱۴۱۳). نهج البیان عن کشف معانی القرآن. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- صفار، محمد بن حسن. (۱۴۰۴). بصائرالدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم. محقق: محسن کوچه باغی، قم: مکتبه آیه الله مرعشی نجفی.

- صنعانی، عبدالرزاق بن همام. (بی تا). الامالی فی آثارالسحابه. صنعانی. قاهره: مکتبه القرآن.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیرالقرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیرالقرآن. تهران: ناصرخسرو.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۱۴). الامالی. قم: دارالتقافه.
- عسکری، سید مرتضی. (۱۴۱۶). القرآن الکریم و روایات المدرستین. تهران: مجمع علمی الاسلامی.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (بی تا). تفسیرالعیاشی. تهران: المکتبه العلمیه الاسلامیه.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرائی سلطان‌آبادی، احمد. (۱۳۹۴). «مستشرقان و مسئله تحریف، دو فصلنامه قرآن پژوهی خاورشناسان». بهار و تابستان، سال دهم، ۱۸.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). تفسیر قمی. قم: دارالکتاب.
- قمی، عباس. (۱۴۱۴). سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار معر تطبیق النصوص الواردة فیها علی بحار. قم: اسوه.
- کریمی، محمود، سلمان‌نژاد، مرتضی، نیک‌روش، محمد جواد. (۱۳۹۱). «نقد مقاله «تشیع و قرآن» بارآشر در دایرةالمعارف قرآن لیدن». مطالعات قرآن و حدیث، بهار و تابستان، سال پنجم، ۲.
- کراکچی، محمد بن علی. (۱۴۲۷). الرسالة العلویة فی فضل امیرالمؤمنین علیه السلام علی سائرالبریه. قم: دلیل ما.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلدزیهر، ایگناس. (۱۳۸۳). گرایش‌های تفسیری مسلمانان. سیدناصر طباطبایی. تهران: ققنوس.
- متقی، علی بن حسام‌الدین. (۱۴۱۳). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسه الرساله.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳). بحارالانوار. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- مکارم‌شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- معرفت، محمدهادی. (بی تا). صیانه القرآن من التحریف. علی نصیری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۸۶). «امکان جواز فهم قرآن». مجله معرفت. شماره ۱۲۲.
- محمدی آشنانی، علی، محمود خوران. (۱۳۹۹). «بررسی دلایل عدم ذکر نام حضرت علی علیه السلام در قرآن کریم از منظر سبک شناسی بیان مطالب». مجله علمی پژوهشی پژوهش‌های دینی، شماره ۴۱، پاییز و زمستان.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۴۲۴). تفسیر الکاشف. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مک اولیف، جین دمن. (۱۳۹۶). دائرةالمعارف قرآن لایدن. تهران: حکمت.
- معصوم شیرازی، محمد. (۱۳۸۳). طرائق الحقائق. تهران: کتابخانه سنائی.
- میبیدی، رشیدالدین. (۱۳۷۱). کشف الاسرار و عدةالابرار. تهران: امیرکبیر.
- نوبیا، پل. (۱۳۷۳). تفسیر قرآنی و زبان عرفانی. اسماعیل سعادت. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- نوری نوری، حسین بن محمد تقی. (بی تا). فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب. تهران: دانشکده علوم قرآنی.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب الله. (بی تا). منهاج البراعة فی شرح نوح البلاغه. مترجم: حسن حسن زاده آملی. محمدباقر کمره‌ای. تهران: مکتبه الاسلامیه.